

## تحلیل علل اقتصادی و سیاسی در شکل‌گیری جنگ‌های پلوپونز و پیامدهای آن

**محمد مسیح هاشمی نیا**

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

Masih252017@gmail.com

**دکتر فاطمه جان احمدی**

دانشیار تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

**دکتر ابراهیم خراسانی پاریزی**

استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

**فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۶- صفحه ۱۳۵-۱۱۷**

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵**

### چکیده

تاریخ یونان اتفاقات زیادی را در خود رقم زده است و آنچنان دارای تاریخ پربراری است که تمامی ابعاد فرهنگی، تاریخی و سیاسی و نظامی و اقتصادی را در خود گنجانده است. یونان در بستر تاریخی خود شاهد جنگ‌های مختلفی بوده است و این جنگ‌ها گاه در خارج مرز و گاه در داخل مرز شکل می‌گرفتند. از جمله جنگ‌های داخلی که در یونان رخ داد، جنگ میان دولت شهرهای آتن و اسپارت بوده است که به جنگ‌های پلوپونز مشهور گشتند. این جنگ‌ها در سه دوره تاریخی رخ نمودند که علل‌های شکل‌گیری آن از عوامل سیاسی و اقتصادی بوده‌اند. از نتایج مهم این جنگ این بود که به انحطاط آتن که از مراکز تمدن یونان محسوب می‌شد، منجر شد و در پی آن به انحطاط یونان بعد از مدت‌ها گردید. در مقاله برآنیم تا عوامل سیاسی و اقتصادی را در شکل‌گیری جنگ‌های پلوپونز تحلیل نماییم و هم‌چنین پیامدها و نتایج جنگ‌ها را تشریح نماییم.

**کلیدواژه: یونان، جنگ‌های پلوپونز، اسپارت، آتن، حکومت هخامنشی، داریوش دوم**

#### مقدمه

همواره تسلط یافتن بر دیگر دولت‌ها و حکومت‌ها از مسائلی بوده‌اند که دامن‌گیر جوامع انسانی بوده است و یونان از این قاعده مستثنی نبوده است و در جامعه یونانی «از قدیم پسرها می‌باید قدرتمند بار می‌آمدند تا بزرگ شده و سربازان خوبی شوند» (پیرسون، ۱۳۹۷: ۶۳). یونان مهد تمدن و درگیری‌هایی برای گسترش پادشاهی بود و جنگ‌های بسیاری در این سرزمین رخ داد. جنگ در هر زمان از تاریخ برای بشر اتفاق افتاده است و همواره صاحبان قدرت «محکومان را به راهی می‌برند که در خدمت اهداف و تحکیم قدرتشان باشد» (عبده قاسم، ۱۳۹۲: ۵). از جمله این جنگ‌های تاریخی که بیشتر بر اساس رشک بر قدرت‌های برتر ایجاد شد، جنگ‌های پلوپونز بودند که میان آتن و اسپارت شکل گرفتند و از آنجایی که آتن دارای قدرت بسیار گشت و از لحاظ اقتصادی ترقی می‌نمود سبب وحشت اسپارت شد و به همین سبب از در دشمنی با این دولت شهر وارد شدند و اسپارت جزایر دیگری را با خود بر علیه آتن متحد نمود و جنگ‌های سی ساله میان این دو اتحادیه در گرفت که خسارت‌های فراوانی به این دولت‌شهرها وارد شد اما از طرفی دیگر حکومت هخامنشی در ایران نیز قصد گسترش قلمروی خود را داشت که این ماجرا سبب شد تا با هر دو دولت شهر از راه سیاست وارد شود و به آن‌ها کمک نماید تا سبب تضعیف و وابستگی آنان گردد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی که بتواند عوامل سیاسی و اقتصادی شکل‌گیری جنگ‌های پلوپونز و پیامدهای آن‌ها را بررسی کند، انجام نگرفته است اما در رابطه جنگ‌های پلوپونز و در رابطه با نقش ایران در این جنگ‌ها تحقیقاتی انجام شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌نمایم.

پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان رویارویی‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی و پیامدهای آن که توسط سیدعباس موسوی در دانشگاه شهیدبهشتی در سال ۱۳۷۹ نگارش و دفاع شده است

و نویسنده به تمامی جنگ‌های ایران و یونان پرداخته است و گریزی به جنگ‌های پلوپونز و دخالت ایران در این جنگ‌ها زده است و نقش پادشاهان را تشریح نموده است.

مقاله با عنوان نقش ایران در جنگ‌های پلوپونز که توسط محمدزمان خدایی و زهرا اشتاک نگارش شده است و در سال ۱۳۹۳ در مجله تاریخ پژوهی چاپ شده است و به این نتیجه دست یازیده‌اند که هخامنشی‌ها از تیره‌های برجسته، مشهور و ممتازی از اقوام پارسی بودند. آن‌ها بنیانگذار یک شاهنشاهی پهناور بودند که از دره سند تا آن سوی نیل و از آمو دریا تا کرانه‌های رود دانوب بود و برای حفظ و حراست از این مرزها سیاستهای مختلفی را اتخاذ می‌کردند. در مقابل این حکومت مقتدر، دولت نیرومند یونان قرار داشت که در زمان خود ایرانیان برای مقابله با نفوذ روز افزون او شیوه‌های سیاسی و دیپلماتیکی جدید و نوینی را پیش می‌گرفتند.

### مبانی نظری

سابقه شکل‌گیری آتن و اسپارت به عنوان و سرزمین که هر کدام دارای حاکمان خود بودند به هزاره دوم قبل از میلاد می‌رسد. اسپارت شبه جزیره بزرگی در بخش جنوبی پلوپونز است. تا قبل از سال ۹۰۰ پیش از میلاد اسپارت یکی از سکونت‌گاه‌های میسن بود که حول یک قلعه و دژ نظامی شکل گرفته بود (زرشناس، ج ۲، ۱۳۹۳: ۲۳).

آتن و اسپارت از دولت‌شهرهای مهم و بزرگ یونان محسوب می‌شدند. دولت‌شهرها از ادغام قبایل گوناگون به وجود آمده بودند (رک. لیدمان، ۱۳۸۱: ۲۰) و دولت‌شهرها متشکل از شهر به عنوان هسته اصلی و یک سلسله روستاهای پیرامون آن بود که به کارهای کشاورزی اشتغال داشتند (رک. پولادی، ۱۳۸۲: ۱۵). ارسطو فیلسوف قرن چهارم ق م در سرزمین اصلی یونان یکصد و پنجاه و هفت دولت‌شهر را برشمرده بود. اگرچه همه به یک زبان سخن می‌گفتند ولی از لحاظ سیاسی در حال جدال کشمکش بودند (لوکاس، ۱۳۸۲: ۲۲).

اسپارت در لغت به معنی پراکنده می‌باشد. اسپارتی‌ها که در لاکونی کاملاً استقرار یافته بودند، در نیمه دوم قرن هشتم به تسخیر مسنی سرزمین حاصلخیز و بسیار پرجمعیتی که در غرب کوهستان‌های تایتا واقع بود دست زدند. بر اثر دو جنگ سخت و سهمگین که در باره آن فقط اطلاعات افسانه‌ای در دست است، اسپارتی‌ها در قرن هفتم پیش از میلاد مسنی را اشغال کردند و ساکنان

آن را به سرف دولتی ایلوت مبدل ساختند. ایلوت های مسنی از اشغالگران کینه ای کاهش ناپذیر بدل داشتند و آنان را پیوسته در هراس یک شورش نگاه می داشتند (دیاکونف و کووالف، ۱۳۵۳: ۶۱). مردم اسپارت به چهار دسته تقسیم می شدند: طبقه حاکم (اسپارتی)، پری یک ها، سوداگران (حقوقی مدنی داشتند ولی از مزایای سیاسی بهره ور نبودند)، هلوت ها *lilote* (بردگان). اسپارتی ها که از اقوام دوری بودند منحصراً به امور نظامی می پرداختند و نمی توانستند به بازرگانی و صنعت بپردازند (غفاری فرد، ۱۳۸۲: ۷۸).

آتن در قرن پنجم قبل از میلاد از مهم ترین دولت شهرهای یونان محسوب می شد. آتن و تحولاتی که در این دولت شهر رخ داد سبب شد که نقطه اوج تحول در یونان رقم بخورد. طبق افسانه های آتنی مردم ساکن در آن، ساکنان بومی آتیکا می باشند. نام شاهان آتنی بدون هیچ ضمانتی حداقل می تواند مخاطب را تا سده چهاردهم قبل از میلاد به عقب ببرد (کیتو، ۱۵۸). آتیک شبه جزیره ای است در حدود ۲۶۰۰ کیلومتر مربع که در دریای اژه پیش رفته است (رابینسون، ۱۷۴). افسانه ها مدعی هستند که نخستین ساکن آتیک مارمردی زمین زاد به نام سکروپس است که از خاک آتیک هستی می یابد و دور از اختلاف پوزئیدون و آتنا برای تملک آتیک شهادت می دهد که نخستین درخت زیتون را آتنا در آتیک غرس کرد و به همین دلیل پوزئیدون طوفانی برمی انگیزد و آتیک را غرق می کند (پین سنت، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

درواقع شهریار آتن قهرمان بزرگ، تزه بود که او را بنیان گذار شهر آتن می نامند. «در آتیک چهار قبیله به سر می بردند و هر یک از سه تیره و هر تیره شامل ۳۰ طایفه و هر طایفه تقریباً شامل ۳۰ خانواده بود. این سلسله مراتب خونی که مبنای سازمان اجتماعی و نظامی به شمار می رفت، باعث تثبیت طبقه اشراف شد» (ویل دورانت، ۱۲۹).

وضعیت سیاسی و تشکیلات نظامی اسپارت

اجتماعات و اقتصاد اسپارت تابع نظام بود و به این سبب سیاست آن نیز تابع نظام گردید و اسپارت به سیاست های نظامی بسیار نیاز داشت زیرا مقررات و نظامات در آن رواج داشت. درواقع سیاست

های نظامی که قدرت محافظت و نگاهداری آن را داشته باشد. به عقیده پاره‌ای از نویسندگان در حکومت اسپارت شرایط موازنه و تعادل کافی برقرار بود چون گذشته از پادشاه، شورای شیوخ (گروزیبا) که نماینده نجبا محسوب می‌شد و مجمع ملی (آپلا) که معرف اراده ملت بود ظاهراً در اداره امور شرکت داشتند (بهمنش، ۱۳۴۵: ۱۱۴).

اسپارت همواره به صورت نظامی اداره می‌شد زیرا شهر مردمانی بود که طاعت گزار بودند. مردم اسپارت که عادت به اطاعات داشتند در ایام صلح نیز مانند دوران جنگ در برابر مقررات و قوانین دست به سینه بودند.

حکومت اسپارت به دلیل سربازان طاعت‌گزار و قانونمند و قوی، متفاوت از دیگر حکومت‌های یونان بود. پادشاهان اسپارت از اعقاب هراکلس محسوب می‌شدند. مردم اسپارت به دلیل علاقه به حفظ آثار قدیم هرگز اصول سلطنت را در آن شهر به هم نزدند. پادشاهان در مراسم و تشریفات مذهبی ریاست داشتند و فرمانده قشون با آن‌ها بود اما در سایر موارد اختیاری نداشتند. اسپارت دو پادشاه داشت. این دو پادشاه نمونه کامل حکومت اشرافی محسوب می‌شد. اسپارت از توسعه فتوحات و گرفتن اراضی جدید چشم پوشید ولی مدافع سرسخت و قهرمان حکومت اشرافی و جباری بود. اسپارت از دخالت در امور شهرهای خارج از پلوپونز اجتناب می‌ورزید (غفاری فرد، ۱۳۸۷: ۴۵). پنج کلانتر بسیار مقتدر و بانفوذ هر سال با رأی پنهانی برگزیده می‌شدند و بر اعمال شاهان نظارت دقیق می‌کردند. تنها در زمان جنگ و در بیرون از شهر، لشکرهای اسپارت تحت فرمان یکی از این شاهان بود (جاناکولیس، ۱۳۷۱: ۱۱۶).

در حکومت اسپارت لیکورگ اصلاحاتی را انجام داد و او به نوعی بنیان‌گذار قوانین اسپارت نام گرفت. تاریخ‌نویسان زمان او را بین سال‌های ۹۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد تخمین زده‌اند. اولیت اقدام در اصلاحات موسوم به لیکورگ این بود که «نظام پادشاهی و عناصر مردم‌سالاری را در ساختار سیاسی ترکیب نمود» (فوگل، ۱۳۸۰: ۱۱۰). زیرا قبل از این حکومت، دستخوش نفوذ قوی تران بوده و اگر شاهان قدرت می‌یافتند جامعه را به سوی استبداد و ظلم می‌کشاندند و اگر مردم تسلط می‌یافتند آثار هرج و مرج و اغتشاش نمایان می‌گشت. دومین عملی که لیکورگ انجام داد و از حیث جسارت کمی از اولی نداشت بلکه به مراتب دشوارتر می‌نمود تقسیم جدیدی از اراضی بود چه

در کشور اسپارت اختلاف بسیار نمایان بین ساکنانش مشهود بود. بر اساس این تصور بود که سرزمین لاکونی را تماما به ۳۰ هزار قسمت مساوی تقسیم کرد و به ساکنین مجاور شهر اسپارت و اراضی نزدیک شهر را که پایتخت سرزمین لاکونی بود به نه هزار قسمت مساوی تقسیم نمود و به ساکنان شهر که اسپارتی نامیده می شدند توزیع نمود. باز درصدد بود برای اینکه اثر هر نوع مساوات را از بین ببرد اثاث البیت را هم تقسیم کند ولی چون مردم از اینکه علنا مایملکشان را از دست بدهند ناراضی بودند. از طریق غیر مستقیم عمل کرد. هر نوع سکه و طلا و نقره را لغو نموده حکم داد سکه های آهنین به کار بردند که وزن زیادی از آن دارای قیمت کمی بود. سپس جرفه های زائد و غیر مفید را نهی کرد. باز برای اینکه از رواج زوائد و مهملات بکاهد تا حس طمع و تملک ثروت را سرکوب کند، دستور داد که همانا پذیرایی و طعام مهمانان باشد و مقرر ساخت که همه مدعوین پیوسته با هم صرف غذا نمایند و از یک گوشت تناول کنند و از مهمانی های پنهانی یا جداگانه یا سفره های رنگین از اغذیه پرچرب دوری کنند (کریمی بیستگانی، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

سومین قانونش این بود که نباید بر ضد دشمن مکررا به نزاع و جدال پرداخت زیرا چون دشمن پی در پی به مدافعه از خویش پرداخت محتمل است دست آخر رشید و جنگجو شود (پلوتارک، ۱۳۶۹: ۱۲۷).

ارتش اسپارت بالاترین نظم و ترتیب را در میان ارتش های یونان داشت. نیروی عمده جنگی اسپارت را پیاده نظام سنگین اسلحه تشکیل می داد. سربازان پیاده اسپارت که آنها را هوپلایت می نامیدند دارای زره برنجی سراسری، کلاخود، شمشیری کوتاه، نیزه ای بلند و سپری از چرم آهنکوب بودند و در هنگام جنگ در هشت تا ده ردیف به یکدیگر متصل می شدند و در سفوفی به هم فشرده و مرتب با صدای نی یا آواز دسته جمعی به سوی دشمن می رفتند و حمله می کردند. اسپارتیان به جنگ نمی پرداختند مگر آن که بزی را قربانی کنند و از مشاهده دل و روده آن وضعیت جنگ را پیش بینی کنند. اسپارتیان به قدری به شکست ناپذیری سپاه خود اطمینان داشتند که از ساختن برج و بارو به دور شهر اسپارت خودداری می کردند (میر سعیدی، ۱۳۸۵: ۲۲).

### وضعیت سیاسی و تشکیلات نظامی آتن

هنگامی که حکومت در آتن تشکیل و مستقر شد چهار دوره کاملاً متفاوت را به خود اختصاص داد. دوره اول را پادشاهی از آن خود کرد که با نجیب زادگان و خانواده‌های قدیم در جدال بود و با آن‌ها سازگاری نداشت. در سده هشتم پیش از میلاد نجیب زادگان روی کار آمدند و تمامی اختیارات مملکت را به عهده گرفتند و باعث برکنار شدن سلاطین گشتند. اما بازرگانان و عامه مردم به شدت به مخالفت با ایشان پرداختند. سده‌های هفتم و هشتم پیش از میلاد دوران آشوب و اغتشاش بود که برخی اصلاحات توسط سولون انجام گرفت سبب آرام شدن اوضاع گشت. کلیستین در سده ششم پیش از میلاد دست به اصلاحات زیادی زد و این بخش از حکومت جز ناشدنی شد. زمانی که نجیب زادگان بر روی کار آمدند و گردهمایی را تشکیل دادند، از میان شهروندان نه قانون‌گذار را برگزیدند. قانون‌گذاران برای مدت یک ساله انتخاب می‌شدند. وظیفه این قانون‌گذاران یا همان آرخون‌ها این بود که قوانین را تعیین می‌کردند و هم چنین مقامات رسمی را معین می‌نمودند البته این قوانین مدون نبودند و از جمله کسانی که از قانون‌گذاران محسوب می‌شد، دراکون بود و او در سال ۶۲۱ پیش از میلاد در قوانین تغییراتی ایجاد نکرد اما آن‌ها تدوین می‌کرد به گونه‌ای که به راحتی قابل دسترسی بودند و قابل فهم بودند. قوانینی که دراکون تدوین کرد بسیار خشن بودند و دارای خشونت مهلک بودند تا آنجا که کوچک‌ترین خلاف حکم بزرگ را در برداشت. به عنوان مثال دزدی میوه و سبزی کیفر مرگ را به همراه داشت.

آتن نیز تشکیلات نظامی خاص خود را داشت و هم چنین قوانین آن مخصوص به خود آن حکومت بود. به این گونه که مردان آتنی باید همواره در خدمت ارتش آتن می‌بودند و سال‌های جوانی تا بزرگسالی را در ارتش می‌گذراندند. در واقع در سن هجده سالگی به آموزش ارتشی آن‌ها پرداخته می‌شد و در بیست سالگی به خدمت مشغول می‌شدند و تا پنجاه سالگی در زیر لوای ارتش قرار داشتند و سال‌های بعد از پنجاه سالگی را نیز جزو نیروهای ذخیره قرار می‌گرفتند.

در ارتش آتن حفاظت از کشتی‌ها و تجهیزات آنان به عهده اشراف بزرگ بود. اشراف کوچک در قسمت سواره نظام خدمت می‌نمودند و افراد عامه و خارجیانی که مقیم آتن شده بودند پیاده نظام سنگین اسلحه را تشکیل می‌دادند. دیگر افراد از جمله کشاورزان در نظام سبک اسلحه و نیروی

دریایی مشغول به خدمت می شدند و در واقع حدود سیزده هزار نفر در ارتش حکومت آتن وجود داشتند.

نیروی دریایی آتن بسیار پیشرفته بود و در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد تعداد کشتی های نیروی دریایی آتن به چهارصد فروند رسید. هر کشتی آتنی ظرفیت دویست نفر را داشت. کشتی های آتنی از لحاظ ساختمان، قدرت و سرعت بی نظیر بودند. سربازان نیروی دریایی را بیشتر کشاورزان بی زمین، بردگان و مزدوران تشکیل می دادند (میرسعیدی، ۱۳۸۵: ۲۸).

علل شکل گیری جنگ های پلوپونز

طبق روایت مورخان آتن در صدد گسترش قدرت خود بو اما با انجام یک بی احتیاطی سبب دشمنی اسپارت با این دولت شهر شد و از طرفی مرگ تیموستکل نیز مشکلات سختی را که راه حلی برای برداشتن آن ها وجود نداشت، سر راه قرار داده بود. «توسیدید، نویسنده آتنی تمامی تاریخ جنگ پلوپونز و آتن را نوشته است که چطور آن ها بر علیه یکدیگر موضع گرفتند (dale.95).

جنگ پلوپونز علل سیاسی و اقتصادی بسیاری داشت که از بحران های دولت های مختلف و مجموعه جامعه یونان خبر می داد. پیش از همه باید برخورد اجتناب ناپذیر آتن و اسپارت را به عنوان نتیجه جدال بر سر برتری خاطر نشان ساخت (oman:28).

آتن در زمان پریکلس ۴۶۱ ق.م با تبدیل به یک امپراتوری دریایی و قدرت دریایی برتر و تضمین سلطه آن بی وقفه علیه حکومت های یونان از جمله گروه پلوپونزی و پارس هامی جنگیدند یکی از علل و عواملی که برانگیزاننده جنگ پلوپونز قلمداد شده است رقابت بازرگانی میان آتن و کورنت بوده است. آتنی ها بر کرانه خلیج کورنت که راه های دریایی غرب را به روس شهر کورنت باز می کرد؛ استقرار یافتند. آتنی ها در مگارا که در سال ۴۶۰ ق.م برای پیوستن به آتن از اتحادیه پلوپونز متنوع شده بود، پادگان مجهزی ایجاد کردند. دولت کورنت وجود این پادگان را که در شمال شهر کورنت تأسیس شده بود تهدیدی برای خود به شمار آورد. به این ترتیب تردیدی به خود راه نداد و به آتن اعلان جنگ داد جنگی که به گونه ای منقطع از ۴۵۹



تا ۴۴۵ ق.م به درازا کشید، کورنت در این نبرد شکست خورد. سپس با اسپارت وارد جنگ شد. در این جنگ با این که پیروزی از آن آتن بود، اما چون بین سال‌های ۴۶۱ تا ۴۵۴ ق.م در مصر که علیه پارس‌ها (هخامنشیان) شورش کرده بودند آتن علیه پارس‌ها وارد جنگ شد ولی با شکست سهمگین مجبور به یک صلح پنج‌ساله با پلوپونزی‌ها شد (خدادادیان، ج ۲، ۱۳۸۵: ۴۸۹-۴۹۱). بری در این رابطه چنین می‌گوید: اینک آتن وسیله رهگیری و حملات مکرر به کشتی‌های تجاری کورنت را داشت که کالاهایشان به غرب دور فرستاده می‌شد (ناردو، ۱۳۹۲: ۵۲).

از دیگر علل دیگری که در برپاشدن جنگ تاثیر مهمی داشته است این می‌باشد که پس از اتحاد دلس دولت آتن دیوارهای آتن و بنا در آن را ساخت و حکومت آتن بسیار قوی شد طولی نکشید که این قوت آتن باعث تشویش همسایگان او مانند تب و کرن شد و چون اسپارت هم با نظر خصومت به قدرت آتن و ساخته شده دیوارهای آن می‌نگریست بتی‌ها و کرنتی‌ها بالطبع متمایل به اسپارت شد و با آن عهد پیمانی بستند تا از بزرگ شدن آتن جلوگیری کنند و به این ترتیب در سال ۴۳۱ ق.م جنگ پلوپونز بین آتن و اسپارت شروع شد (بهمنش، ج ۱، ۱۳۴۵: ۲۷۴).

از علل دیگر شدت گرفتن جنگ‌ها می‌توان به موقعیت جزیره ثروتمند آیگینا اشاره نمود. در پی جنگ آتن با کورنت، آیگینا در این وحشت به سر می‌برد که مبادا بعد از کورنت قربانی بعدی باشد بر همین اساس با کورنت بر علیه آتن متحد گشت و در این زمان فرمانده جنگ آتنی‌ها لئوکرات بود که همه استحکامات آیگینا را محاصره نمود و آن‌ها به ناچار تسلیم شدند.

### دوره اول جنگ‌های پلوپونز

جنگ‌های پلوپونز را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۴۲۱-۴۳۱؛ ۴۱۵-۴۱۳ و ۴۱۳-۴۰۴ پیش از میلاد (بکر و لوتوس، ۱۳۸۰: ۷۰).

هنگامی که نزاع در میان کورنت و قوم کوچ‌نشین قدیم و کهن اکورسیر درگرفت، مردم این جزایر از دولت شهر آتن کمک طلب نمودند و آتن در قبال این درخواست آن‌ها وعده هر نوع مساعدت را داد. در سال ۴۳۱ ق.م بحریه کرن در سیبوتا به ناوگان کورسیر برخورد و جنگ در گرفت کرنتی‌ها از جنگ دست کشیدند ولی از این اقدام آتن به اسپارتی‌ها شکایت بردند (دولاندن، ج ۱، ۱۳۶۲: ۱۲۷). اسپارت در آغاز کار مردد بود تصمیم به جنگ گرفت و تمام اعضای اتحادیه

پلوپونز یعنی تب، فوسید، لوکرید، اتولی و پادشاه مقدونیه را به جنگ واداشت (stobbs.29). اسپارت به آتن اعلام جنگ کرد و خواستار امتیازات سیاسی شد که از جانب آتن پذیرفته نشد و با هم وارد جنگ شدند (توین بی، ۱۳۶۲:۲۳۵). آتنی از راه دریا به پلوپونز حمله کردند و اسپارتی ها از راه زمین وارد آتیک شدند پریکلس تمام مردم آتیک را به درون حصار آتن فراخواند (محمود آبادی، ۱۳۸۳:۶۹). تهیه آذوقه شهر اشکالی نداشت؛ زیرا دیواری آتن را به پیره متصل می نمود و رفت و آمد را در امان خودمی داشت. اتفاقاً به واسطه یک کشتی تجاری که از مشرق آمده بود بالای طاعون در میان سکنه متراکم آتن منتشر گردید (ماله، ج ۱، ۱۳۸۴:۲۷۰).

در این هنگام در آتن بیماری طاعون پدیدار شد. می گفتند: این بیماری بیشتر در شهر لمنوس و نقاط دیگر نیز دیده شده است ولی جز چنین مرگ و میری از هیچ جا نرسیده بود. در آغاز پزشکان این بیماری را نمی شناختند و راه مطالعه آن را نمی دانستند و مردم، پریکلس را مسئول بدبختی خود می دانستند (توسیدید، ۱۳۷۷:۱۲۲). اگر چه پریکلس سیاستمدار آتنی نیز دو پسر خود را بر اثر طاعون از دست داده بود (محمود آبادی، ۱۳۸۳:۷۰) اما با این وجود به علت شدت جنگ و شیوع بیماری مردم با او همدردی نمودند و خواستار شدند تا به جنگ خاتمه دهد تا اوضاع کمی سامان یابد و او نیز به ناچار صلحی مبنی بر صلح نیکياس را منعقد نمود و بدین ترتیب دوره اول جنگ ها در سال ۴۲۱ قبل از میلاد بین آتن و اسپارت پایان یافت.

دوره دوم جنگ های پلوپونز

دوره دوم جنگ های پلوپونز در فاصله سال های ۵۶ ۹ ۹۵۱ قبل از میلاد اتفاق افتاد که به جنگ سیسیل مشهور است. در این جنگ نیروی دریایی آتن به جزیره سیسیل حمله کرد، اما اسپارتیان نیز که از پشتیبانی و اتحاد شاه بزرگ (داریوش دوم هخامنشی) برخوردار بودند نیز، متقابلاً به صقلیه (سیسیل) حمله بردند و تجهیزات بحری و سپاهیان آتنی را در مقابل سیراکوز (واقع در جنوب شرقی سیسیل) شکست سختی دادند و منهدم ساختند (صادقی، ۱۳۹۴:۸۰).

آن چه واقعاً باعث شروع جنگ دوم شد؛ یورش آتنیان به تحریک و تشویق بازرگانان، به منابع گندم و سیسیل بود. در جنگ دوم آکزییادس رهبری جنگجویان آتنی را به عهده داشت که خود ماجراجویی ثروتمند بود و غیر از سیسیل نقشه حمله به کارتاژ و لیبی را نیز ترسیم کرده بود (بیگدلی، ۱۳۸۵).

ناوگان آتنی که از کوشش خود برای رخنه در صنوف دشمن نتیجه‌ای نگرفت، کشتی‌های خود را سوزاند و سپاه بر آن شدند تا خود را داخل جزیره عقب بکشید. اما برتری حرفان و گرسنگی آنان را مجبور به تسلیم کرد. لشگرکشی سیسیل با فاجعه‌ای هولناک پایان یافت ناوگان و سپاه آتن از هم پاشید، باقیمانده‌ها اسارت به اسپارت رفتند و معادن سنگ فرستاده شدند و فرماندهان نیز اعدام گردیدند (ارسطو، ۱۳۴۲: ۱۱۷).

دوره سوم جنگ‌های پلوپونز

در سال ۴۱۲ پیش از میلاد آغاز شدند و نتیجه آن پیروزی اسپارت بر آتن و تصرف آتن بود. دولت ایران در این جنگ‌ها به اسپارت کمک می‌نمود و این جنگ‌ها در سال ۴۰۴ پیش از میلاد به پایان رسیدند. دوره سوم جنگ اینگونه آغاز شد که اسپارت و دولت شهرها و جزایری که عضو اتحادیه پلوپونز به این بهانه که آتن پیمان صلح پنجاه ساله را نقض کرده است تصمیم حمله را به این دولت شهر گرفتند. هدف اسپارت از این حمله انحطاط کامل آتن بود و بر همین اساس با ایران وارد مذاکره شد. این بار نیروی دریایی خود را به شدت قوت بخشیدند و از امتیازهای داریوش دوم و کمک‌های او برخوردار شدند.

ایران نیز که از قبل در صدد انتقام جنگ‌های ماراتون و سالامیس بود به کمک اسپارت و تقویت نیروهایش شتافت و در مقابل این یاری رساندن ایران، اسپارت نیز تعهد داد که به ایران برای دست‌یابی به سرزمین‌های یونانی کمک کند. ناوگان‌های اسپارتی در سواحل لسبوس، نیروهای دریایی آتن را محاصره کردند و جنگ سختی در گرفت. در این نبرد آغازین پیروزی از آن آتنی‌ها شد و لوساندروس که فرمانده لشکریان اسپارت بود به آنان پیشنهاد صلح داد اما آتنی‌ها این پیشنهاد را نپذیرفتند که در طی آن جنگجویان اسپارت که از کمک ایران بهره‌ور بودند به فرماندهی لوساندروس به باقیمانده سپاه آتن یورش بردند و بر آنان غلبه یافتند و از جمله در هلس پونت

موفق به نابود ساختن تمامی کشتی های دریایی آتن گشتند. این گونه بود که اتحادیه پلوپونز در سال ۴۰۵ قبل از میلاد توانست تمامی سواحل اطراف یونان را تحت سلطه خود درآورد و آتن نیز در سال ۴۰۴ تمامی شرایط مهاجمان اسپارتی را پذیرفتند.

تمامی وظایف و شرایط برای آتنی ها توسط لوساندروس تعیین شدند و آن ها نیز موظف به پیروی و اطاعت از این خواسته ها بودند. از اولین شرایط این بود که آتن تمامی حصارهایی را که درونادور شهر بنا نموده را تخریب سازد و همچنین اولیگارش های تبعید شده را بازگرداند. اولیگارش ها زمانی که به آتن آمدند به رهبری کریتیاس و ترامنس حکومت را در دست گرفتند و برای آتن یک شورای سی نفری تشکیل دادند و این شروعی برای حکومت جباران سی گانه بود.

دخالت شاهان پارسی در جنگ های پلوپونز

جنگ های داخلی بین دولت- شهرها که مهم ترین آن جنگ های پلوپونزی به سرکردگی آتن و اسپارت در دو سوی کشاکش بود، معروفترین نماد این تکثر سیاسی- نظامی است. نبردهای داخلی میان یونانیان، بعضاً با همدستی ایرانیان در جهت این یا آن گروه همراه می شد و گاه ایرانیان از فرصتی بهره مند می شدند تا حرف و اراده سیاسی خود را به طرف های درگیر تحمیل کنند (برن در گرشویچ، ۱۳۸۵: ۱۸۵).

مداخله ایران بیش تر به نفع اسپارت بود و عهد نامه هایی در این رابطه بسته شد که بعضاً برای ایران دست کمی از پیروزی نظامی نداشت. نکته دیگر این که، یکی از آتنی های سرشناس و توطئه گر درگیر در این جنگ ها، آلکیبیادس بود که جاه طلبی آلکیبیادس که از او فردی ناآرام ساخته بود و برخی از او به پادشاه بی تاج و تخت آتن نام می برند، منجر به فرار وی از آتن شد. او سعی کرد در رابطه اسپارت و ایرانیان به گونه ای مداخله کند که فرصت بازگشت پیروزمندانه خود را به آتن فراهم کند؛ ولی پس از فراز و فرودهایی تصمیم گرفت همچون تمیستوکلس به دربار ایران و نزد فارناپاز، سردار ایرانی، پناه برد. وی هنگامی که قصد داشت به شوش برود، در دهکده ای به نحو مشکوکی به قتل رسید. اما جنگ داخلی ایران میان اردشیر دوم و برادرش

کوروش کوچک بود. کوروش دربردهای پلوپونزی به نمایندگی از ایران، نقش آفرینی می کرد و با یونانیان بسیاری آشنا شد و از همین رو به خدمت گرفتن یونانیان در طغیان برضد برادرش، برای او به راحتی میسر بود. وی در این نبرد خانگی کشته شد و یونانیان مجبور به عقب نشینی شدند(قادری، ۱۳۸۷: ۹۰-۹۱).

اولین شاه ایرانی که در جنگ های پلوپونز نقش داشت و آتش جنگ را شعله ور می نمود اردشیر اول بود. که پس از خشایار شاه حکومت را به دست گرفت. در تابستان سال ۴۶۵ ق.م خشایار شاه با توطئه درباریان به قتل رسید(هورا، ۱۳۸۴: ۷۰). پسرش اردشیر یکم جانشین او شد(احتشام، ۱۳۵۵: ۱۴۷). لقب وی دراز دست بود(مانوئل، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

خود اردشیر خود را شاه بزرگ معرفی می کند(شارپ، ۱۳۸۴: ۱۳۰). در نامه ها کی اردشیر نام دارد(ثعالبی، ۱۳۸۰: ۱۷۴). او پاک نهادترین پادشاهان بود(پلوتارک، ۱۳۸۵: ۱۹۰). او را دراز دست می گفتند چون فارسیان او را دراز دست می نامیدند(میرخواند، ۱۳۷۳: ۷۳۰). اردشیر ۴۱ سال فرمانروایی کرد(پیرنیا، ۱۳۸۹: ۹۰۷).

در زمان اردشیر اول اوضاع در داخل و در مرزها نابسامان بود و در مصر شورش بزرگی به وسیله ایناروس لیبیایی درگرفت و آتنی ها با فرستادن دویست کشتی به کمک شورشیان شتافتند(بریان، ۱۲۰۶). کشورهای تابعه پی در پی و پشت سر هم قیام می نمودند، شکست های نظامی و قیام شهربانان با کمک مزدوران یونانی اردشیر اول را به بازبینی بنیادی سیاست خود در قبال یونان واداشت یونانی که در این زمان در گیر و دارجنگ های پلوپونز بود. اردشیر آشنا به امور یونان، پی برد که یک یونان تقسیم شده، هیچ تهدیدی برای دولت پارس در بر نخواهد داشت. بنابراین بی اعتبار کردن سران سیاسی یونان با پرداخت رشوه و یا به زبان ساده، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» در دستور کار اردشیر و دولت هخامنشی قرار گرفت(داندامايف، ۱۳۸۱: ۳۵۵).

از علل به کارگیری سیاست های اردشیر در جنگ های پلوپونز این بود که زمانی خبر پیشروی آژه زیلاس به گوشش رسید دانست که نباید از این راه با یونانیان درآید و اینگونه بود که تیموکراتیس از مردم رودس را با مقدار انبوهی از زر به یونان فرستاد و به او اختیار داد که به هر نحوی که می

پسند آن پول ها را به پیشوایان یونانی در این شهر و آن شهر پخش کند و آنان را به جنگ با اسپارت برانگیزاند. تیموکراتیس به یونان رفته و دستور اردشیر را اجرا نمود و بسیاری از شهرهای بزرگ را بشورانید و نیز پلوپونز را به شورش واداشت (پلوتارک، ۲۲۴). البته همکاری های نزدیک میان ایران و آتن (بختورتاش، ۱۰۶) و هم چنین سیاست های تیتروستس در نزدیکی با آژه زیلاس و مذاکره با وی در بازگشت از آژه زیلاس موثر بوده است (موسی، ۲۷۵).

اردشیر سیاست های فراوانی را به کار بست. او دو دولت شهرهای آتن و اسمارت را بر علیه یکدیگر برانگیخته می نمود تا بتواند راحت تر به مناطق یونان دست یازد و ز طرفی رقب و وحشت را در میان آتنی ها نسبت به پارسیان از بین برد و خاطر نشان کرد که هیچ گونه حمله ای توسط پارسیان به یونان صورت نخواهد گرفت و به یاری هر دو دولت شهر پرداخت و با این کار توانست منافع سیاسی زیادی را به دست آورد و اردشیر از اینکه «یونانی ها به جان هم افتاده و یکدیگر را در جنگ های پلوپونز تباه می ساختند بسیار خوشنود بود» (اومستد، ۱۳۸۶: ۴۷۳). این کار اردشیر بسیار در نتیجه جنگ ها موثر واقع شد زیرا بعد از پیروزی اسپارت، ایران از سیاست های زیادی بهره ور شد و توانست اینگونه انتقام خود را از آتن بگیرد.

پس از اردشیر اول، فرزندش داریوش دوم به پادشاهی رسید و در این زمان اوضاع ایران آشفته بود و از طرفی دخالت های همسر داریوش دوم شعله این آشفتگی ها را بیشتر افروخته می کرد و زنان و خواجه سرایان دربار در زمان این پادشاه در امور مملکت بسیار مداخله می نمودند و در تمامی مسائل کشوری دخالت می کردند (گیرشمن، ۲۲۱). آغاز پادشاهی داریوش دوم با اوج گرفتن جنگ های پلوپونز همراه بود و علت این جنگ ها آنگونه که اشاره نمودیم اختلاف میان آتن و اسپارت بود. «از آنجا که نقش ایران در این جنگ ها بسیار روشن و آشکار است مورد توجه مورخان و نویسندگان می باشد و آتن و اسپارت هر کدام از آن ها برای اینکه دیگری را شکست دهد و نابود کند متوجه دربار شوش شدند و از ایران کمک خواستند (پیرنیا، ۹۴۱).

درباره سیاست‌های ایران در این جنگ‌ها و دامن زدن به اختلاف‌ها و حفظ نمودن قدرت در میان هر دوی آن‌ها، گیرشمن چنین بیان نموده است که: «طلای ایران برای اغوانی آتن ضد اسپارت در جنگ‌های پلوپونز به کار می‌رفت و این امر تا حدی به منزله سیاست پیشرفت برای شاهنشاهی و انتقام جنگ‌های مسری تلقی می‌شد (گیرشمن، ۲۲۱). ایران طلای خود را به جانب یونان در این زمان سرازیر کرده و بدین ترتیب که هر یک از طرفین که ضعیف می‌شد، ایران به آن طرف دیگر گرایش می‌یافت و کمک می‌کرد تا این جنگ‌ها ادامه یابد و هخامنشیان بتوانند منافع خود را در منطقه بیدغدغه خاطر و بدون جنگ‌خون‌ریزی حفظ کنند. با کمترین جنگ و در نتیجه کمترین تلفات انسانی و خسارت مالی در یونان بیشتر منافع سیاسی نصیب ایران شد (بیانی، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

از جنگی که در جزیره سیسیل بین اسپارت و آتن روی داد و منجر به شکست آتن شد باز تیسافرن در عین آن که با اسپارت قرارداد همکاری بست طلای ایران راطوری به آنها می‌رسانید که جنگ به درازا کشید و غالب و مغلوب معلوم نشد. حاصل این سیاست موازنه آن شد که اشتغال حریفان در منازعات پلوپونز به ایران این فرصت را داد تا سفیرهای یونانی آسیای صغیر را دوباره به انقیاد خوش درآورد، پادگان‌های خود را در آن جا مستقر سازد و حتی مالیاتهای معوق را بازستاند (زرین کوب، ۱۸۸).

### پیامدها و نتایج جنگ پلوپونز

از پیامدهای مهم جنگ‌های پلوپونز وارد شدن خسارت‌ها و تلفات بسیاری به آتن بود. زیرا بیماری طاعون در دوره اول جنگ‌ها در دولت شهر آتن شیوع پیدا نمود.

از نتایج جنگ می‌توان به این اشاره نمود که آتن مجبور به تغییر عقیده گردید و هم‌چنین از قدرت‌های بزرگ نظامی خارج شد و از آنجایی که آتن همواره مهد تمدن بزرگ یونان در ادبیات و هنر محسوب می‌شد این امتیاز از او برای همیشه گرفته شد.

از پیامدهای بسیار سهمگین جنگ این بود که همین جنگ‌های داخلی سبب انحطاط تمدن یونان گشتند در صورتی که یونان می‌توانست برای همیشه به عنوان یک مرکز قدرت مبدل شود و از دیگر نتایج آن این بود که ایران بر آسیای صغیر مسلط شد و هم‌چنین اقوام مرکزی اروپا قدرت گرفتند

و از پیامدهای دیگر این جنگ ها از بین رفتن توان اقتصادی و فرهنگی و نظامی دولت شهرهای یونانی بود زیرا آتن آن ها را نمایندگی می نمود که با این جنگ ها این قدرت از آتن گرفته شد.

### نتیجه گیری

طبق پژوهش انجام شده می توان چنین نتیجه گرفت که از علل های شکل گیری جنگ های پلوپونز قدرت های سیاسی و اقتصادی بوده اند که آتن و اسپارت بر سر برتری جدال نمودند و همچنین آتن با کورنت رقابت بازرگانی داشت و بر همین مبنا بر کرانه خلیج کورنت که راه های دریایی غرب را به روس شهر کورنت باز می نمود استقرار یافتند و پادگانی مجهز ایجاد کردند که این سبب شد کورنتی ها را به نزاع برانگیزاند. از علل دیگر نیز که اشاره نمودیم تشکیل اتحادیه دلس بود که آتن بر اساس آن دیواره هایی را در اطراف حکومت خود بنا نمود و آتن قوی گشت و اسپارت از ترس بزرگ شدن حکومت آتن و گستره آن وارد جنگ شد و در این میان ایران که حکومت هخامنشی روی کار بود در فکر گسترش امپراطوری خود بود و برای اینکه حمایت یونانی ها را جذب نماید به دولت شهرها کمک مالی می نمود و در دوره سوم جنگ ها کمک های خود را معطوف اسپارت گردانید که باعث برتری و استیلا آن گشت. آنگونه که گذشت این جنگ ها نتایج و پیامدهایی را دربرداشتند که از مهم ترین آن ها خارج شدن آتن از قدرت بزرگ شد و این از عواملی بود که بعدها به انحطاط یونان گرایید.

### منابع

۱. احتشام، مرتضی. (۱۳۵۵)، تاریخ ایران دوره‌ی هخامنشیان. چ اول. تهران: انتشارات رز.
۲. ارسطو. (۱۳۴۲) اصول حکمت آتن. چ اول. ترجمه باستانی پاریزی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۳. بختورتاش. نصرت الله. (۱۳۵۰)، دیپلماسی دولت هخامنشی. تهران



۴. برن، لوسیلا، (۱۳۸۵)، اسطوره‌های یونانی، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز
۵. بریان، پی‌یر، (۱۳۷۸)، تاریخ امپراتوری هخامنشی، ترجمه مهدی سمسار، تهران. زریاب.
۶. بهمنش، احمد. (۱۳۴۵)، تاریخ یونان قدیم از آغاز تا جنگ پلوپونزی. ج ۱. چ ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. بیانی، شیرین. (۱۳۸۱)، تاریخ ایران باستان از ورود آریائیان به ایران تا پایان هخامنشی. تهران. سمت.
۸. بیگدلی، علی. (۱۳۸۵)، تاریخ یونان و روم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. پلوتارک. (۱۳۸۵)، ایرانیان و یونانیان. ترجمه احمد کسروی. تهران: انتشارات جامی.
۱۰. پولادی. کمال. (۱۳۸۲)، تاریخ اندیشه سیاسی غرب از سقراط تا ماکیاوول. تهران. مرکز.
۱۱. پیرسون. آئی. (۱۳۹۷)، تاریخ فرهنگ و تمدن یونان. ترجمه محمدصادق شریعتی. تهران. سبزان.
۱۲. پین سنت، جان. (۱۳۸۰)، اساطیر یونان، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
۱۳. پیرنیا، حسن. (۱۳۸۸)، تاریخ ایران باستان. تهران: انتشارات نگاه.
۱۴. توسیدید (۱۳۷۷)، تاریخ جنگ‌های پلوپونز. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. توین بی، آرنولد. (۱۳۶۲)، تاریخ تمدن. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. ثعالی، ابوالمنصور عبدالملک بن محمد. (۱۳۸۰)، شاهنامه تعالی. ترجمه محمود هدایت تهران: انتشارات اساطیر.
۱۷. جاناکولیس. (۱۳۷۱)، سرزمین مردم ایران. ترجمه احمد بطحایی. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. جوان. موسی. (۱۳۴۰)، تاریخ اجتماعی ایران باستان. تهران. رنگین.
۱۹. خدادادیان، اردشیر. (۱۳۸۵)، تاریخ یونان باستان. تهران: انتشارات سخن.
۲۰. داندامایف، محمد آ. (۱۳۸۱)، تاریخ سیاسی هخامنشیان. ترجمه خشایار بهاری. تهران: انتشارات کارنگ.

۲۱. دورانت، ویل. (۱۳۸۱)، یونان باستان. ترجمه امیرحسین آریانپور. تهران: انتشارات علم سی و فرهنگی.
۲۲. دولاندلن، ش. (۱۳۶۲)، تاریخ جهانی (پیش از تاریخ تا قرن شانزدهم م). ترجمه احمد بهمنش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. دیاکونف. م. (۱۳۵۳)، تاریخ ایران باستان. ترجمه روحی ارباب. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۴. رابینسون. الکساندر. چارلز. (۱۳۷۰)، تاریخ باستان. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران.
۲۵. زرشناس. شهریار. (۱۳۹۳)، فراز و فرود یونان کلاسیک. تهران. خبرگزاری تسنیم.
۲۶. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵)، روزگاران ایران. تهران: انتشارات سخن.
۲۷. شارب، نارمن. (۱۳۸۴)، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی. تهران: انتشارات پازینه.
۲۸. صادقی. سیدمحسن. (۱۳۹۴)، پایان نامه کارشناسی ارشد بررسی نقش ایران در جنگ های آتن و اسپارت. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
۲۹. عبده قاسم. قاسم. (۱۳۹۲)، مبانی فکری و ماهیت جنگ های صلیبی. ترجمه عبدالله ناصری طاهری و نرگس قنديل زاده. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. غفاری فرد. عباسقلی. (۱۳۸۲)، تاریخ اروپا. تهران. گواه.
۳۱. فوگل. اشپیل. (۱۳۸۰) تاریخ تمدن مغرب زمین. ترجمه محمدحسین آریا. تهران. امیرکبیر.
۳۲. قادری. حاتم. (۱۳۸۷)، مقاله ایرانشهری در آثار یونانی با تاکید بر آثار فلسفی سیاسی افلاطون\_گزنفون. دو فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری. صص ۷۷-۹۳.
۳۳. کریمی بیستگانی. مجید. (۱۳۸۳)، عوامل عظمت و انحطاط یونان باستان از عصر هومر تا پایان قرن دوم ق. م. دانشگاه شهید بهشتی.
۳۴. کیتو. اچ وی اف. (۱۳۷۰)، یونانیان. ترجمه سیامک عاملی. تهران. گفتار.

۳۵. گرشویچ. ایلیا. (۱۳۸۷)، تاریخ ایران هخامنشی. ترجمه تیمور قادری. تهران. مهتاب.
۳۶. گیرشمن، رومن. (۱۳۸۶)، ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمدحسین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۷. لوکاس. هنری. (۱۳۸۲)، تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران. کیهان.
۳۸. لیدمان. سون اریک. (۱۳۸۱)، تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا هابرماس. تهران. اختران.
۳۹. ماله، آلبر. (۱۳۸۴)، تاریخ ملل شرق و یونان. ترجمه عبدالحسین هژیر. تهران: انتشارات نشر سمیر.
۴۰. مانوئل کوک، جان. (۱۳۸۴)، شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه مرتضی‌ثاقب فر. تهران: انتشارات ققنوس.
۴۱. محمود آبادی، اصغر. (۱۳۸۳)، دیپلماسی هخامنشیان ماراتن تا گرانیک. اصفهان: انتشارات مینو.
۴۲. میرسعیدی. نادر. (۱۳۸۵)، تاریخ تمدن. تهران. موسسه فرهنگی برهان.
۴۳. میرخواند. (۱۳۷۳)، تاریخ روضه‌الصفافی سیره الانبیاء و الملکوت و الخلفاء. مصحح عباس زریاب. ج ۱ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۴. ناردو. دان. (۱۳۹۲)، مینوسی‌ها. ترجمه نادر میرسعیدی. تهران. ققنوس.
۴۵. هوار، کلمان. (۱۳۸۴)، ایران و تمدن ایرانی. ترجمه وحید مازندرانی. انتشارات امیرکبیر.